

## بررسی تفاوت عوامل بافتی و محیطی بین زوج‌های متقاضی طلاق سازش‌یافته و سازش‌نیافته

عادل کریمی<sup>۱</sup>، فواد بابایی<sup>۲</sup>، سیدجلیل حسینی<sup>۳</sup>، شایسته کریمی<sup>۳</sup>، مهری سالم<sup>۳</sup>  
<sup>۱</sup> کارشناس ارشد مشاوره خانواده.  
<sup>۲</sup> کارشناس ارشد مشاوره.  
<sup>۳</sup> کارشناس ارشد روان‌شناسی بالینی.

نام نویسنده مسئول:

عادل کریمی

### چکیده

با توجه به تأثیر متقابل عوامل محیطی (اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی و خانوادگی) بر رشد فرد و تشکیل و استمرار زندگی زناشویی و خانوادگی، بررسی اثرات عوامل مذکور منبعی مهم برای شناسایی پدیده‌ی طلاق در محدوده‌ی فرهنگی خاصی می‌باشد. به علاوه از پایه‌های طرح‌ریزی برنامه‌های درمان و پیشگیری از آن به شمار می‌رود. پژوهش حاضر با هدف بررسی تفاوت زوج‌های متقاضی طلاق سازش‌یافته و سازش‌نیافته در زمینه‌ی فرهنگی و بافت زندگی انجام شده‌است. گروه نمونه شامل ۶۰ زوج (۳۰ زوج سازش‌یافته به عنوان گروه آزمایش و ۳۰ زوج سازش‌نیافته به عنوان گروه گواه) که به صورت تصادفی ساده از بین زوج‌های مراجعه‌کننده به مرکز کاهش طلاق اورژانس اجتماعی بهزیستی سقز انتخاب شده‌اند. یافته‌ها دال بر تفاوت معنادار عوامل فرهنگی و بافتی گروه گواه و آزمایش بود. نتایج به دست آمده در برنامه‌ریزی‌های آموزشی، مداخلات درمانی و طرح‌ریزی الگوهای درمانی فرهنگ بسته و فرهنگ نایسته مؤثر خواهد بود.

**واژگان کلیدی:** طلاق، فرهنگ، خرده فرهنگ، نیازها، الگوهای رفتاری خانواده، خانواده‌ی مبدأ.

**مقدمه**

از زمانی که طبق قوانین و فرهنگ رابطه‌ی بین دو شخص شکل می‌گیرد همان فرهنگ طرق گسستن این روابط را نیز تعریف می‌کند. ازدواج و طلاق - دو شق مخالف یکدیگر - از این جمله‌اند. یک انسان منحصر به فرد بنا بر نیازهای زیستی - روانی خود در قالب تعریف اجتماع وارد رابطه‌ی ازدواج می‌شود و نتیجه تشکیل رابطه‌ی منحصر به زوج می‌باشد. در این بین چند سؤال بی‌پاسخ نمایان می‌شود که (۱) اگر رابطه‌ی زناشویی منحصر به زوجین خاص می‌باشد، جامعه چگونه شق مخالف آن را تعریف می‌کند؟ عرف و قانون قواعد کلی را برای رابطه‌ی زناشویی همه‌ی زوج‌های جامعه تعریف می‌کند در حالی که مداخله در تعارضات زناشویی مستلزم شناخت مسائل و موارد منحصر به هر زوج می‌باشد. (۲) تا چه اندازه جهت شناسایی علل و عوامل طلاق و مکانیسم‌های دخیل در آن در هر جامعه‌ی بخصوص، پژوهش و یا امکان پژوهش فراهم شده‌است؟ هر چند عوامل طلاق برای هر زوج تعریف خاصی دارد ولی عامل‌های فرهنگی و اجتماعی شناخته‌شده‌ای در مقطع‌های زمانی اثرات متفاوتی بر نرخ طلاق دارند. آیا برای پیوند تعریف‌های عام از فاکتورهای اجتماعی و فرهنگی با تعریف خاص زوجین از آن‌ها تلاش شده‌است؟

در پژوهش حاضر سعی بر آن است که این حلقه پیوند تعریف عام و خاص از عوامل بافتی و محیطی (فرهنگی - اجتماعی) طلاق مشخص شود تا در برنامه‌های آموزشی زوج‌درمانی، خانواده‌درمانی مورد استفاده قرار گیرد.

**کل‌نگری به کنش و واکنش‌های روانی - اجتماعی**

دیدگاه کل‌نگرانه در روان‌درمانی آدلری (کوری، ۲۰۰۵) به فرد به عنوان یک کل در بافت خانواده و اجتماع می‌نگرد. در رویکردهای جامعه‌شناسان معاصر به نظام و مکانیسم‌های فعالیت و روابط درون آن توجه شده‌است. (گیدنز، ۱۳۷۸) نمی‌توان آن چه را که پدیده‌ی اجتماعی می‌نامند بدون بعد روانی و زیستی آن تصور کرد. انسان دارای سه بعد زیستی - روانی - اجتماعی است. در عمل این سه از یکدیگر تفکیک ناپذیرند و به دلیل بررسی و روشن نمودن ارتباطات انسان‌ها با خود، دیگران و محیط به صورت فرضی عنوان می‌شوند. دیدگاه زیستی به دنبال بررسی منشأ رفتارهای انسان، دیدگاه روان‌شناختی ذهن، عواطف و هیجانات و شخصیت را برای تبیین پدیده‌های انسان مدنظر قرار می‌دهد و جامعه‌شناسی تأثیر پدیده‌های اجتماعی را بر انسان و بالعکس مورد بررسی قرار می‌دهد. هر رویکرد به صورت جزئی شروع به بررسی پدیده‌های انسانی کردند ولی با گذشت زمان و تلطیف هر کدام در رویکردهایی از قبیل زیستی - روانی - اجتماعی ادغام شده‌اند. (سارا فینو، ۱۳۸۴)

علی‌رغم این که از لحاظ فلسفی و نظری به کل‌نگری رسیده‌ایم ولی هنوز برای به فعل درآوردن آن راهی طولانی در پیش است. در مورد طلاق اثرات زیستی - روانی - اجتماعی آن مورد بررسی قرار گرفته‌است ولی علت‌شناسی طلاق بایستی از پیوستار کل به جزء حرکت کرده و از علت‌های عام و همه‌گیر تا علت‌های خاص مربوط به هر زوج پیش رود. اثرات متقابل ابعاد شناختی و جامعه‌شناختی مورد توجه پژوهش حاضر است. به نظر نگارندگان روان‌شناسان به تأثیر و تأثیر بافتی و محیطی و از سوی دیگر جامعه‌شناسان به مسائل روانی و درون فردی به صورت بایسته توجه ننموده‌اند. در هر حوزه بیشتر تحقیقات در حد نظرسنجی و زمینه‌یابی بوده که به دلیل تغییرات سریع و غیر قابل کنترل فرهنگ به مقاطع زمانی بعد از آن قابل تعمیم نیستند. آن چه بایستی مورد توجه قرار گیرد به قول ماکسیم گورکی (۱۳۵۴) در حرکت معمولاً جهت جلو تصور می‌شود در حالی که سرعت حرکت بایستی در جهت عمق نیز باشد. در بررسی پدیده‌ی طلاق نبایستی ریشه‌ی آن را در بعد جامعه‌شناختی یا روان‌شناختی آن جست. بلکه ریشه (عمق) در ترکیب تأثیر و تأثر هر دو بعد می‌باشد. اولین عاملی که روان فردی و جمعی انسان‌ها و فرهنگ را تحت تأثیر قرار داد و ثبات جامعه‌ی سنتی گذشته را از بین برد فرایند حرکت به سوی مدرنیته و پست‌مدرنیسم در همه‌ی جوامع است. این تغییرات ما را به چه سطحی از ثبات رسانده‌است؟ (گلدنبرگ و گلدنبرگ، ۲۰۰۲)

جامعه‌ی ما در این فرایند در مرحله‌ی گذار قرار دارد و آن را در تقابل ارزش‌ها، تناقض در خواست‌های فردی و گروهی؛ ناکارآمدی سیستم‌های آموزشی برای آگاه‌سازی جامعه از تغییرات مثبت و منفی موجود (یکی از ویژگی‌های مرحله‌ی گذار نوسانات شدید در پدیده‌های اجتماعی) در رابطه‌ی زناشویی و خانواده، ابهام در نقش (گلدنبرگ و گلدنبرگ، ۲۰۰۲) تعاریف متناقض زوجین از انتظارات و حقوق خود و دیگری - مثلاً مرد بر این باور است که همسرش بایستی وظایف سنتی را انجام دهد ولی زن خواهان حضور در اجتماع، تحصیل و اشتغال است. ازدواج به صورت سنتی و طلاق به شیوه‌ی مدرن ولی با همان دیدگاه سنتی از نشانه‌های بارز مرحله‌ی گذار در تعارضات زناشویی و طلاق جامعه‌ی ما می‌باشد. خانواده‌ها مرزبندی‌ها و زیرمنظومه‌های مبهمی دارند. (گلدنبرگ و گلدنبرگ، ۲۰۰۲)

خانواده از آگاه‌سازی اعضای خود ناتوان است و انطباق با شرایط پرنوسان را با هزینه‌های روانی - اجتماعی گزافی انجام می‌دهد. در این پژوهش ده عامل که در درون سنتی گذشته می‌توانستند عامل بقای رابطه‌ی زناشویی باشد در دوره‌ی گذار با تناقض و تضاد موجود از عوامل طلاق یا بسترسازهای آن می‌باشند، مورد بررسی قرار می‌گیرند. به علاوه بر اساس دیدگاه پدیدارشناسی (ساکالوفسکی، ۱۳۸۴) تعریف زوجین از هر کدام، ایشان را به سازش مجدد یا طلاق سوق می‌دهد. پس از دیدگاه فردی زوجین و دیدگاه مشترک ایشان مورد بررسی قرار می‌گیرد.

الف) تجربه‌ی فضای آزاد تصمیم‌گیری در خانواده‌ی مبدأ:

رویکرد ساختاری به خانواده درمانی مفاهیم مرزبندی و منظومه‌های خانوادگی را مطرح کرد. (گلدنبرگ و گلدنبرگ، ۲۰۰۲) مرزهای سخت منطبق بر الگوی خانواده‌های سنتی، مرزهای مبهم منطبق بر خانواده‌های متأثر از مرحله‌ی گذار و مرزهای روشن بر خانواده‌های سازگار با الگوی مدرن می‌باشد منظور از فضای آزاد تصمیم‌گیری وجود مرزهای روشن در خانواده است. فردی که به عنوان زوج و زوجه‌ی در آستانه‌ی طلاق می‌باشند، از اعضای خانواده بازخورد روشن و منطقی دریافت می‌کنند. در این منظومه‌ی خانوادگی سلسله‌مراتب قدرت واضح و مرزبندی بین سطوح مشخص و نفوذپذیر است. گاهی فرد پرخاشگری و حالت دفاعی در برابر خانواده را دال بر آزادی در تصمیم‌گیری می‌داند. در این وضعیت هم بازگشت به زندگی مشترک و هم طلاق بر اساس فرایند صحیح تصمیم‌گیری نیست. در واقع همه‌ی عوامل ده‌گانه بر تصمیم‌گیری صحیح مؤثرند ولی فضای آزاد تصمیم‌گیری در خانواده‌ی مبدأ مختص به زمان حال نیست. تجربیات گذشته در این زمینه، الگوی تصمیم‌گیری صحیح در زمان حال را بنیاد می‌نهد.

ب) سطح سواد والدین:

تعریف سواد در ایران با توانایی خواندن و نوشتن می‌باشد و درجات بالاتر تحصیل از آن تداعی می‌شود آیا صرف داشتن سواد (با مدرک تحصیلی) بر عملکرد فردی، خانوادگی و اجتماعی افراد تأثیر دارد؟

اگر فرد از تحصیلات خود در عمق و وسعت بخشیدن به درک از خود و پیرامون استفاده کند می‌تواند بر اطرافیان خود تأثیر مطلوب داشته‌باشد. مثلاً به عنوان پدر یا مادر بر ایجاد فضای آزاد و دمکرات درون خانواده اثربخش باشد. غالباً تحصیلات عالی به عنوان یک نقطه‌ی قوت برای زندگی زناشویی مطلوب برمی‌شمارند در حالی که فقط یک عامل زمینه‌ساز می‌باشد نه عاملی با کارکرد مستقیم. بر اساس تجربیات نگارنده در اورژانس اجتماعی بهزیستی افراد با تحصیلات عالی این امکان را دارند که بدون تنش عاطفی از یکدیگر جدا شوند ولی بسیاری از آن‌ها به دلیل تأکید بر سطح تحصیلات خود و حتی خانواده‌شان دچار جزمی‌نگری شده و به صورتی تنش‌آمیز و با واکنش هیجانی منفی خواستار طلاق می‌باشند. این جزمی‌نگری در والدین تحصیل‌کرده‌ی زوجین نیز امکان بروز دارد.

ج) باورها و تربیت دینی:

این باورها، علاوه بر تعریف نقش‌های زن و شوهر، در صورت اشتراک زوجین در آن سبب تحکیم رابطه‌ی زناشویی می‌شود. ولی در صورتی که در اعتقادات زوجین تفاوت وجود داشته‌باشد می‌تواند در تسریع طلاق مؤثر و سبب تنش بیشتر شود. در بسیاری از موارد باورهای دینی از سوی یکی از زوجین سبب گذشت می‌شود. ولی این گذشت شکننده بوده و خواسته‌های سرکوب‌شده به صورت انفجاری نمایان می‌گردند. کم‌رنگ‌شدن باورهای دینی در سطح جامعه و خانواده بر ابهام در نقش همسری و والدین افزوده است. از سوی دیگر تجویز نقش‌های دینی و سنتی گذشته در اکثر خانواده‌ها پاسخی مناسب برای حل تعارضات نمی‌باشد. بنابراین به منظور بهره‌گیری از ظرفیت باورهای دینی در تحکیم رابطه‌ی زناشویی و خانواده بایستی خوانشی منطبق با نیازهای انسان عصر حاضر و مقتضیات جوامع کنونی از آن به عمل آید. مثلاً آیا باورهای دینی برای خانواده‌های تک‌والدی و عوامل مؤثر بر آن (آمیرت، ۲۰۰۹) الگوی زندگی اجتماعی و خانوادگی ارائه می‌دهد؟ اگر باورهای دینی در این مورد از کاروان تغییرات اجتماعی و فرهنگی باز بماند. فرزندان اکثر این خانواده‌ها با آموزه‌های دینی روی‌گردان خواهند شد و نتیجه‌ی امر تزلزل بیشتر خانواده در جامعه خواهد شد.

د) پذیرش نقش‌های جنسیتی سنتی:

در جوامع در حال گذار فشارهای مضاعف روانی - اجتماعی بر زن و مرد وارد می‌آید. مادر علاوه بر نقش تربیت فرزندان در بیرون از خانه نیز کار می‌کند این فشار مضاعف در هر دو مورد نقش مادر بودن و کار در حرفه‌ای مشخص، تدریجاً زن را فرسوده می‌کند. این امر برای مردان نیز مصداق دارد. (آمیرت، ۲۰۰۹) در صورتی که زن و شوهر هر دو با نقش‌های جنسیتی سنتی سازگار باشند. در صورت بروز تعارض، نقش‌های از پیش موجود به عنوان مرجع تصمیم‌گیری سبب سازگاری مجدد می‌شوند. ولی مسأله کم‌رنگ‌شدن نقش‌های جنسیتی سنتی بوده که معمولاً بر مشاجرات و سوءتفاهمات می‌افزاید.

ه) فاصله‌ی جغرافیایی:

این عامل به تفاوت‌های نژادی و فرهنگی وابسته است. به علاوه در جوامع سنتی ازدواج در فواصل دور جغرافیایی کمتر اتفاق می‌افتد. با پیشرفت صنعت خودرو و علم ارتباطات فواصل جغرافیایی مستقیماً عاملی اثرگذار بر تمایل به طلاق یا سازش نمی‌باشند.

و) یکسانی نژادی و فرهنگی:

هر فرهنگی بر اساس ویژگی‌های خاص زبانی، ارزشی و آداب و سنن از دیگر فرهنگ‌ها مجزا است. این هویت مستقل طرح‌واره‌های شناختی مشترکی را در ذهن افراد آن ملت شکل می‌دهد. مثلاً در ذهن انگلیسی‌ها خصوصیات و عادات ناشایستی به فرانسوی‌ها نسبت داده می‌شود. یا در خاورمیانه بین عرب‌ها، ترک‌ها، فارس‌ها و کوردها نسبت به هم برداشت‌هایی وجود دارد که اگر فاکتور مذهب را به آن بیافزاییم تفاوت‌ها به حد اختلاف و تضاد می‌رسد. زن و شوهر از دو فرهنگ و دو نژاد متفاوت در حالت عادی بین خویش تعارض نمی‌بینند ولی با بروز

تفاوت در دیدگاه و انتظارات و نقش‌ها ناهمگونی فرهنگی و نژادی به عنوان عامل تشدیدکننده تعارض ایفای نقش می‌کند. در مبحث بعدی به ابعاد روانی/اجتماعی این اختلاف فرهنگ‌ها خواهیم پرداخت.

ز) یکسانی خرده‌فرهنگی:

زوجین متعلق به یک خرده‌فرهنگ از لحاظ لهجه، اصطلاحات عادات ظرفیت درک متقابل را دارند. البته این مورد علاوه بر تناسب شخصیت و عواطف می‌باشد. فرض بر این است که انتظارات ایشان از زندگی مشترک مکمل یکدیگر باشد. مرحله‌ی گذار انسجام درون خرده‌فرهنگ‌ها را نیز متزلزل کرده‌است. فرهنگ عشیره‌ای نمونه‌ی بارز این مورد است که تدریجاً در فرهنگ بزرگ‌تر مستحیل می‌شود. عدم جایگزینی انسجام درون خرده‌فرهنگ با اصول و عرف مورد قبول، اعضای خرده‌فرهنگ را هم از خود و هم از فرهنگ کلی بیگانه می‌کند. این امر بر هویت‌یابی فرد تأثیر سوء می‌گذارد و تصمیم‌گیری درباره‌ی معیارهای انتخاب همسر و انتظارات از رابطه‌ی زناشویی را مبهم می‌سازد. (ح) طلاق در خانواده‌ی مبدأ:

این مورد می‌تواند جزئی از مورد (ا) باشد. ولی به این دلیل که به طور مستقیم به تعارض زناشویی و طلاق مربوط می‌شود به صورت جداگانه عنوان شده‌است. دیدگاه روشن خانواده در مورد ابعاد زندگی زناشویی، مفهوم طلاق را نیز برای اعضای خانواده مشخص می‌کند. تجربه‌ی طلاق در خانواده‌ی پدری سبب نوعی جهت‌گیری ارزشی نسبت به آن می‌شود. ترس از طلاق، تنفر مردان یا زنان، ترس از ازدواج، از بین رفتن قبح طلاق و ... از جمله واکنش‌های روانی - رفتاری به تجربه‌ی مذکور می‌باشند.

ط) امور مالی و اقتصادی:

مدیریت هزینه‌ها و درآمد از مواردی است که اختلافات زوجین از آنجا شروع می‌شود. (گلدنبرگ و گلدنبرگ، ۲۰۰۲) و تعارضات زیربنایی را می‌پوشاند. یکی از پایه‌های انسجام خانواده امور و وضعیت اقتصادی آن است.

ی) پایگاه اجتماعی خانواده‌ی مبدأ و کنونی:

ارزش‌های حول پایگاه و طبقه‌ی اجتماعی در همه‌ی جوامع به عنوان عامل تسهیل‌کننده و یا محدودکننده نقش بازی می‌کنند. هر چه تضاد طبقاتی بیشتر باشد، درون هر طبقه ازدواج آسان‌تر و بین طبقات دشوار خواهد بود. آداب عرف، شیوه‌ی معیشت و الگوی تربیتی فرزندان و روابط اجتماعی در صورتی که بین زوجین و خانواده‌هایشان نسبتاً همگن باشد، سبب درک متقابل و سازگاری و رضایت زناشویی می‌شود.

### مکانیسم روانی - اجتماعی موارد ده‌گانه:

هر یک از موارد فوق که اجمالاً شرحشان رفت با فرد و خانواده‌ی او کنش و واکنش‌های روانی/اجتماعی دارند. مورد فاصله‌ی جغرافیایی علی‌رغم محدودیت‌هایی که در جامعه‌ی سنتی به دنبال دارد. در عصر کنونی به تدریج اثر خود را در آشنایی بین افراد، خانواده‌ها (برای ازدواج) و فرهنگ‌ها و ملل از دست می‌دهد، ولی موارد نه‌گانه‌ی دیگر فضای زندگی فرد، زوجین، خانواده و اجتماع را تشکیل می‌دهد. فضای زندگی همه‌ی پدیده‌های انسانی و محیطی‌ای را که در دامنه‌ی حس، ادراک (خودآگاه و ناخودآگاه) وجود دارد شامل می‌شود. (اعتمادی، ۱۳۸۵؛ به نقل از لوبین) طبق قانون گشتالت این کل تفکیک‌ناپذیر است. (کوری، ۲۰۰۵) ولی درون آن فرآیندی از فعالیت‌ها و اطلاعات در جریان است که تا پایان عمر ادامه دارد. در بعد زمان تولد و رشد و پرورش در خانواده‌ی مبدأ، ورود به دبستان و گسترش دامنه‌ی فضای زندگی به همسالان، دوره‌ی نوجوانی و گرایش برای ازدواج بنابر مرحله‌ی رشد جسمی - روانی - اجتماعی این دوره، جوانی و انتخاب همسر مسیری است که فرد در فضای زندگی آن را طی می‌کند.

فضای باز تصمیم‌گیری؛ ذهن، جرأت‌مندی، توانایی ابراز وجود و روابط اجتماعی ایشان را پرورش می‌دهد. چنین افرادی در انتخاب همسر، ازدواج، پرورش فرزندان کمترین اشتباه را مرتکب می‌شوند و در صورت بروز تعارض و اختلاف نظر توان تصمیم‌گیری مشترک بیشتری دارند در صورتی که زوجین به این نتیجه برسند که طلاق موضوعی قابل بحث در زندگی مشترکشان است. اندوخته‌ی گذشته‌ی هر یک در مهارت تصمیم‌گیری از خانواده‌ی مبدأ و فضای کنونی آن، علی‌رغم فشارهای اجتماعی، هاله‌ای از امنیت روانی و اجتماعی ایجاد نموده فرد را از لحاظ روانی و اجتماعی برای انتخاب ادامه‌ی زندگی یا طلاق آزاد می‌گذارد. با این وجود فشار اجتماعی و روانی به ویژه برای زنان ایشان را در وضعیت انفعالی قرار می‌دهد (کوکرین، ۱۳۷۶) و حق تصمیم‌گیری را از خود سلب می‌کنند. چرا که این آزادی فشار روانی - اجتماعی توان کاهی برای ایشان به همراه دارد. اگر مجبور نشوند هیچ‌گاه طلاق نمی‌گیرند. امنیت زندگی با زوج از امنیت زندگی پس از طلاق برای اکثریت زنان بیشتر است. به همین دلیل از این حق انتخاب می‌گریزند. (فروم، ۱۳۸۱)

باورهای دینی و نقش‌های جنسیتی سنتی در هم تنیده‌اند. چرا که دین برای زن و مرد وظایف و اختیاراتی مقرر کرده‌است. در عصر حاضر الگوی تعریف‌شده توسط دین و مذهب کارایی گذشته را برای انسجام رابطه‌ی زناشویی ندارد. مصداق این موضوع طلاق روزافزون در جوامع اسلامی و مسیحی است.

بنابر مصاحبه با مراجعین متقاضی طلاق و پیگیری پرونده‌هایی که بر اساس اعتقادات مذهبی و نقش‌های جنسیتی تعریف شده توسط آن سازش یافته‌بودند، پس از مدتی مجدداً درخواست طلاق نموده‌اند و با بروز هیجانات منفی شدید بر طلاق اصرار ورزیده‌اند. وضعیت گذار در جامعه‌ی ما اعتقادات دینی و نقش‌های جنسیتی تعریف شده توسط آن به سوی ابهام در نقش سیر می‌کند. ابهام در نقش‌ها از ویژگی‌های خانواده‌ها با ساختار نامشخص است. (گلدنبرگ، ۲۰۰۲)

یکسانی نژادی، فرهنگی و خرده‌فرهنگی به صورت مستقیم عاملی مؤثر بر طلاق یا سازگاری زناشویی است. بلکه بر دنیای پدیداری افراد اثر می‌گذارد و فرد بر اساس مرجع قیاس درونی خود (ساکالوفسکی، ۱۳۸۴). زبان (ژان کالوه، ۱۳۷۹) موسیقی، بازی‌های دوران کودکی، آداب و رسوم بر دنیای پدیداری فرد به صورت مستقیم اثرگذار است نحوه‌ی ارتباط کودک با خانواده و دیگران در همسرگزینی و سازگاری پس از آن مؤثر است. (هندریکس، ۱۳۸۳)

انتظار می‌رود یکسانی فرهنگی و خرده‌فرهنگی سبب نزدیک شدن دنیای پدیدارشناختی افراد از جمله زوجین به یکدیگر شود. نژاد بدون فرهنگ فقط تفاوت‌های صرف فیزیکی است آن چه به تفاوت بین نژادها معنا می‌دهد تفاوت فرهنگی است.

نژاد و فرهنگ و خرده‌فرهنگ خواسته و یا ناخواسته بخشی جدایی‌ناپذیر از هویت افراد هستند و بر کیفیت و دامنه‌ی ارتباط اجتماعی (از جمله ازدواج) مؤثر می‌باشد. در فرهنگ و خرده‌فرهنگ، پایگاه اجتماعی نیز فاکتور بسیار مهم در تشکیل هویت و دنیای پدیداری فردی می‌باشد. مفهوم طلاق درون خانواده به فرض‌ها و قواعد خانوادگی وابسته است. (گلدنبرگ و گلدنبرگ، ۲۰۰۲) و بیشتر این قواعد ناخودآگاه هستند. سطح سواد و فرهنگ مطالعه و کیفیت تجزیه و تحلیل مسائل این قواعد را به نسبت برای خانواده روشن خواهد کرد. در مصاحبه‌های انجام شده در واحد اورژانس اجتماعی از درخواست طلاق به عنوان ابزار کنترل از سوی زوجین و خانواده‌هایشان به کار برده شده است. استفاده از طلاق به عنوان ابزار کنترل حاکی از از بین رفتن قبح طلاق (بنابر باورهای دینی و مذهبی) است.

در مصاحبه با زوجین متقاضی طلاق نمایان شد که بیشتر خانواده‌ها از طلاق تعریف روشنی ندارند و به همین دلیل با حالتی عاطفی، دفاعی و تنیده به آن واکنش نشان می‌دهند. دخالت خانواده‌ها در تصمیم‌گیری مشترک زوجین در امر طلاق مبین همین موضوع است. لازم به ذکر است که در اکثریت پژوهش‌های مربوط به طلاق عوامل زیربنایی طلاق مدنظر قرار نمی‌گیرند و صرفاً به دلایل بارز و یا اظهار شده در نظرسنجی‌ها و پرسشنامه‌ها اکتفا می‌شود. این دیدگاه نسبت به طلاق مانع درک صحیح از مکانیزم و فاکتورهای مؤثر در آن می‌باشد. شیلی (۲۰۱۸) به ده و میر (۲۰۱۷) به سه دلیل عمده‌ی طلاق اشاره می‌کنند. عقلیت حاکم بر تحقیق در ایران نیز در مورد پدیده‌های روانی - اجتماعی همین گونه است. سازمان‌های متولی امر طلاق سالیانه آمارهای متناقضی از علل و عوامل طلاق ارائه می‌دهند که علاوه بر عدم کاربرد روایی و اعتبار ندارند.

### نیازهای درون‌روانی و بعد اجتماعی و فرهنگی آن‌ها

اکثر نظریه‌های شخصیت و روان‌درمانی در تبیین مسائل انسانی انگیزش و نیازها را مطرح نموده‌اند. (فیست و فیست، ۲۰۰۲؛ کوری، ۲۰۰۵) با توجه به فرهنگ و مرحله‌ی گذار جامعه‌ی ما رویکردهای پیچیده و نیازمند دوره‌های طولانی درمان مناسب نیستند. در شرایط کنونی رویکردی ساده، مداخله‌گرانه و کوتاه‌مدت مورد نیاز است. در بحث از نیازهای انسان و تأثیر آن‌ها بر رابطه‌ی زناشویی رویکرد واقعیت‌درمانی / نظریه‌ی انتخاب ویلیام گلاسر اثربخش است. (گلاسر، ۱۹۹۸)

گلاسر نیازهای انسان را در پنج مورد بیان می‌کند: (۱) نیاز به بقا (۲) نیاز به محبت و سکس عاشقانه (۳) نیاز به قدرت (۴) نیاز به آزادی (۵) نیاز به تفریح.

نیاز به بقا در حفظ سلامت فردی و خانوادگی، صرفه‌جویی اقتصادی و حفظ امنیت روانی - اجتماعی بارز می‌شود. نیاز به عشق و سکس عاشقانه در دوست‌داشتن و دوست داشته‌شدن دیگران و اشیاء پیرامون ظاهر می‌شود. سکس عاشقانه با همسر بروز می‌کند. نیاز به قدرت در هر بعدی از زندگی فردی، اجتماعی و خانوادگی نمایان می‌شود. اگر نیاز هر دوی زوجین در قدرت بالا باشد، تعارض به شدت نمایان می‌شود. در آزادی حق انتخاب و آزادی در تصمیم‌گیری مورد توجه است. تفریح به معنی لذت‌بردن از فعالیت‌هایی است که برای کسب لذت و شادی است.

زوجین در تشکیل زندگی مشترک بر اساس سطح نیازهای خود عمل می‌کنند. اگر در هر یک از سطوح اختلافات فاحش وجود داشته‌باشد تعارض اجتناب‌ناپذیر است. (گلاسر، ۲۰۰۲)

نیازهای ذکر شده با فاکتورهای ده‌گانه‌ی مورد بررسی ارتباط ناگسستنی‌ای دارند.

عنوان نیاز	عوامل ده‌گانه‌ی مربوط
بقا	امور مالی و اقتصادی، جغرافیا
محبت و سکس عاشقانه	پذیرش نقش‌های سنتی جنسیتی
قدرت	فضای آزاد تصمیم‌گیری در خانواده‌ی مبدأ، پایگاه اجتماعی، امور اقتصادی
آزادی	فضای آزاد تصمیم‌گیری، باورهای دینی، فرهنگ و خرده فرهنگ، جغرافیا، پایگاه اجتماعی
تفریح	فرهنگ، خرده فرهنگ

در عمل تفکیک نیازها از یکدیگر و ابعاد اجتماعی و ارتباطی آن‌ها غیرممکن است. بهترین تبیین در نظر گرفتن آن‌ها به عنوان یک کل زیستی - روانی - اجتماعی است.

هدف این پژوهش این بود که آیا فاکتورهای فرهنگی (بافتی و محیطی) بر سازش یا طلاق به صورت متفاوتی تأثیر دارند یا نه؟ که در بخش یافته‌ها به آن پرداخته شده است.

### نقدی به علت‌شناسی پدیده‌ی طلاق

بر اساس نظرسنجی پژوهش‌های بسیاری مستقیماً به علت‌شناسی طلاق پرداخته‌اند یا حداقل بعدی از آن به علت‌شناسی طلاق اختصاص داشته است. (عابدی‌نیا و همکاران، ۲۰۱۱) علت طلاق از دیدگاه زنان مسائل اقتصادی - اجتماعی، خشونت، مشکلات جنسی و از دیدگاه مردان مشکلات فرهنگی و اجتماعی را بیان داشته‌اند. (آمبرت، ۲۰۰۹؛ ادگوک در نیجریه، ۲۰۱۰؛ فورتانو و همکاران در مهاجرین اروپایی تبار آمریکا، ۲۰۱۰؛ دوهرتی، ۲۰۱۲؛ هارکوتن از دانشگاه استکهلم، ۲۰۱۳) به علت‌شناسی طلاق با توجه به عوامل اجتماعی و فرهنگی پرداخته‌اند. سؤال اینجاست که آیا این علت‌شناسی‌ها قابلیت تعمیم به دیگر جوامع را دارند؟ خیر. بعد اجتماعی و فرهنگی آن‌ها را علی‌رغم داشتن شباهت‌های بسیار، منحصر به همان جامعه می‌سازد.

علی‌رغم کمک به شناسایی علل طلاق در بسیاری موارد نظرسنجی در این زمینه گمراه‌کننده است زیرا تغییرات فرهنگی و اجتماعی پرنوسان جامعه را مدنظر قرار نمی‌دهند و بر فرض لحاظ کردن این تغییرات تعمیم نتایج به جامعه‌ی محدود به همان مقطع زمانی خاص می‌باشد. عامل گمراه‌کننده‌ی دوم خلط نظرات مراجعین و متخصصان در فرایند علت‌یابی است. برای نمونه اگر مراجعین پاسخ بدهند که مهم‌ترین علت درخواست طلاق مسائل مالی است نمی‌توان بدون تحلیل علمی این علت را واقعی فرض کرد. چرا که بسیاری از مشکلات در بعد مالی و اقتصادی بروز می‌کند که الزاماً مربوط به این بعد نیستند. این بعد مربوط به نیاز بقا است و تعارض در آن بیشتر مورد توجه و پسند جامعه است تا بحث در مورد نارضایت جنسی. در تحقیقات اجتماع‌محور سازمان بهزیستی، به عنوان نمونه، الزاماً نیازسنجی توسط افراد جامعه بر نیازسنجی مددکاران، روان‌شناسان و مشاوران منطبق نیست. عامل گمراه‌کننده‌ی سوم برجسته‌شده مواردی به عنوان علل اصلی است در حالی که بیشتر عوامل بسترساز یا تسریع و تشدیدکننده هستند. می‌توان از تحقیق زمینه‌یابی به عنوان فعالیت مکمل در آسیب‌شناسی طلاق استفاده کرد. ولی به دلیل چندبعدی بودن پدیده و این که عوامل ناخودآگاه نیز در آن دخیل‌اند. بنابر تجارب نگارندگان مصاحبه، ارزیابی مستقیم خانواده و نتایج مشاوره در یک تحقیق طولی نتایج قابل اطمینان‌تری را حاصل می‌آورد.

در پژوهش حاضر از موارد فوق به همراه اطلاعات جمعیت‌شناختی بهره گرفته شد. روش تحقیق علی - مقایسه‌ای است. ۶۰ زوج متقاضی طلاق که ۳۰ زوج سازش‌یافته و ۳۰ زوج بر طلاق اصرار داشتند از جامعه‌ی زوج‌های متقاضی طلاق مراجعه‌کننده به مرکز اورژانس اجتماعی بهزیستی سقز انتخاب شدند. برای ۳۰ زوج مصر بر طلاق از نمونه‌گیری تصادفی ساده و ۳۰ زوج سازش‌یافته گروه در دسترس بودند که در دو گروه آزمایش و گواه قرار گرفتند. ابزارهای جمع‌آوری اطلاعات، فرم‌های استاندارد بهزیستی که حاوی اطلاعات جمعیت‌شناختی و ابعاد زندگی خانوادگی بود، به علاوه شرح مصاحبه‌های انجام‌شده توسط مشاوران مرکز که مبنای استخراج ساختار خانوادگی، پیشینه‌ی اختلافات و عوامل اصلی و تشدیدکننده‌ی تعارضات و در برخی موارد با خانواده‌ی زوجین نیز مصاحبه انجام شده بود. به طور کلی ابزار جمع‌آوری اطلاعات کمی - کیفی می‌باشد. پنج سطح برای هر یک از موارد ده‌گانه در نظر گرفته و به هر سطح از یک تا پنج نمره داده شد. آزمون t مستقل برای بررسی میزان تفاوت دو گروه آزمایش و گواه در عامل‌های ده‌گانه مورد استفاده قرار گرفت.

**یافته‌ها**

لازم به ذکر است این موارد برای نخستین بار ارائه شده‌اند و در تحقیقات آتی جرح و تعدیل خواهند شد. لذا نتایج ذیل مطلق نیست ولی تلاش شده‌است تا حد امکان به صورت موشکافانه از بطن مصاحبه‌ها و فرم‌های گردآوری اطلاعات استخراج و تجزیه و تحلیل شود.

عوامل	میانگین	T	Sig	نتیجه
سطح سواد والدین	۰	۰/۹۵۱	۰/۶۷۱	رد فرضیه‌ی پژوهش
تربیت دینی	۳	۱/۱۱	۰/۰۰۷	رد فرضیه‌ی پژوهش
فاصله‌ی جغرافیایی	۱	۰/۹۶۲	۰/۲۳۵	رد فرضیه‌ی پژوهش
یکسانی نژادی و فرهنگی	۳	۱/۸۵۲	۰/۰۰۷	رد فرضیه‌ی پژوهش

طبق جدول فوق سطح سواد والدین، تربیت دینی، فاصله‌ی جغرافیایی و یکسانی نژادی و فرهنگی بین زوجین سازش یافته و مصر بر طلاق متفاوت نمی‌باشد و بنابراین در سطح خطای ۰/۱ فرض وجود تفاوت بین دو گروه در موارد فوق رد می‌شود. در موارد ذیل تفاوت معناداری بین گروه‌های گواه و آزمایش مشاهده شد.

عوامل	میانگین	T	Sig	نتیجه
۱. فضای آزاد تصمیم‌گیری در خانواده‌ی مبدأ	۳	۱/۷۵	۰/۰۰۱	تأیید فرض تحقیق
۲. پذیرش نقش‌های سنتی جنسیتی	۵	۳/۷۴	۰/۰۰۴	تأیید فرض تحقیق
۳. یکسانی خرده‌فرهنگی	۴	۲/۴۵	۰/۰۰۲	تأیید فرض تحقیق
۴. طلاق در خانواده‌ی مبدأ	۳	۱/۷۵	۰/۰۰۲	تأیید فرض تحقیق
۵. امور مالی و اقتصادی	۵	۳/۷۴	۰/۰۰	تأیید فرض تحقیق
۶. پایگاه اجتماعی خانواده‌ی مبدأ	۵	۳/۷۴	۰/۰۰	تأیید فرض تحقیق

با خطای ۰/۱ و فاصله‌ی اطمینان ۰/۹۹ بین زوج‌های سازش یافته و مصر بر طلاق در موارد فضای آزاد بر تصمیم‌گیری در خانواده‌ی مبدأ، پذیرش نقش‌های جنسیتی، یکسانی خرده‌فرهنگی، طلاق در خانواده‌ی مبدأ، امور مالی و اقتصادی و پایگاه اجتماعی خانواده‌ی مبدأ تفاوت معنادار وجود دارد.

## بحث و نتیجه گیری

پدیده‌های اجتماعی‌ای که به صورت تصاعدی گسترش می‌یابد، عملکرد عادی و روزمره‌ی جامعه را دستخوش تغییرات غیر قابل پیش‌بینی می‌کند. طلاق در جوامعی که در آن باورها و فرهنگ سنتی رو به زوال می‌روند به شیوه‌ی غیر قابل‌تصور گسترش یافته‌است. در جامعه‌ی ایران علی‌رغم مذموم‌بودن طلاق در ذهن افراد و عرف جامعه، به عنوان یک گزینه‌ی در دسترس برای زوجین متعارض مطرح می‌باشد. چرا؟ علت یا علل توسل به طلاق زوجین متعارض چیست؟ بایستی به تناسب هر فرهنگ و در بطن آن هر خرده‌فرهنگ آن را آسیب‌شناسی کرد. بر اساس این دیدگاه بین‌فرهنگی نقاط قابل مداخله را مشخص کرد و در طرح‌های زوج‌درمانی و مشاوره‌ی خانواده گنجانده. آیا مفاهیم آشو در مورد ازدواج (آشو، ۱۳۸۰) در فرهنگ ما جذب‌شدنی است؟ مداخلات عقلانی/هیجانی مستقیم (الیس، ۱۳۸۰) در فرهنگی که حجب و حیا به ویژه برای زن ارزش شمرده می‌شود، چه جایگاهی می‌تواند داشته‌باشد؟ به احتمال فراوان محتوای کتاب درمان زناشویی برنشتاین و برنشتاین (۱۳۸۴) برای زوج تحصیل‌کرده‌ی متعارض بیگانه است چرا که الگوی زندگی‌ای که کتاب بر اساس آن شکل گرفته و با فرهنگ ما فاصله‌ی بسیار دارد، یکی از علت‌های کم‌اثر بودن مداخلات روان‌درمانی و زوج‌درمانی در جامعه‌ی ما کم‌توجهی به بومی‌کردن این مفاهیم و برنامه‌های درمانی است.

موارد ده‌گانه در این پژوهش که برگرفته از جلسات مشاوره و پرونده‌های متقاضیان طلاق در طی سال‌های ۹۱، ۹۲، ۹۳، ۹۴، ۹۵ و ۹۶ می‌باشد عوامل ترکیبی یا به عبارتی روانی‌اجتماعی است که در هر فرهنگی می‌تواند جلوه‌ی ویژه داشته‌باشد.

در فرهنگ سقز با جامعه‌ای متشکل از خرده‌فرهنگ‌های پیرامون خود، ساختار خانواده، شیوه‌ی تربیت فرزندان، آشنایی خانواده‌ها، نظارت اجتماعی، در مرحله‌ی گذار و مستعد تغییر و ایجاد تناقض می‌باشد. میزان طلاق در شهرستان سقز بنا به آمار سالیانه‌ی اداره‌ی ثبت احوال در حد بالایی گزارش شده‌است (آمار دقیقی از طلاق‌های به انجام‌رسیده منتشر نشده‌است). تلاقی خرده‌فرهنگ‌های اطراف سقز و استعداد مهاجرپذیربودن آن، بافت شهر را به همان خرده‌فرهنگ‌ها تقسیم کرده‌است.

خانواده‌های از خرده‌فرهنگ یکسان قابلیت تفاهم بیشتری داشتند (بر اساس مصاحبه‌ی انجام‌شده). حتی در واکنش‌های هیجانی منفی خرده‌فرهنگ طرف مقابل به سخره گرفته می‌شود. سواد افراد و والدین آن‌ها و جغرافیا (فاصله‌ی بین‌شهری)، تربیت دینی، تفاوت نژادی در بین گروه آزمایش و گواه تفاوتی نداشتند که نشان‌دهنده‌ی بی‌اثر بودن سواد، کم‌رنگ‌شدن اثر آموزه‌های دینی و عدم توجه به تفاوت‌های نژادی در تصمیم‌گیری در مورد طلاق است. از سوی دیگر نشانه‌ی ساختار و منظومه‌های روشن خانوادگی، حق تصمیم‌گیری می‌باشد که از مهم‌ترین عوامل ایجاد امنیت روانی و اجتماعی به ویژه برای زنان است. اگر خانواده در عین دادن آزادی به فرزند خود در مورد طلاق به صورت غیر جهت‌دار از او حمایت بکند، تصمیم به سازش یا طلاق توسط این افراد بسیار کم‌هزینه‌تر از طرد یا حمایت افراطی خانواده‌ی مبدأ می‌باشد. این مورد که خانواده‌ی مبدأ از چه فرضیه‌ای در مورد طلاق پیروی می‌کند بر دیدگاه زوجین متعارض بسیار مؤثر است. چرا که میزان احساس امنیت یا احساس گناه و رنج عاطفی حین و پس از طلاق تا حد زیادی وابسته به آن است. خانواده‌هایی که به صورت حمایت مفرط از تصمیم طلاق دخترشان، مانع درک صحیح وی از زندگی زناشویی می‌شود، به صورت همجوشی (گلدنبرگ و گلدنبرگ، ۲۰۰۲) وی را به خانه باز می‌گرداند یا دختری که با زیر پا گذاشتن تابوی خانواده (طلاق) تهدید به طرد می‌شود به ناچار به سازش تن می‌دهد. فشار اجتماعی و خانوادگی مسأله‌ی طلاق بر زنان به مراتب بیشتر از مردان است. پایگاه اجتماعی و امور مالی و اقتصادی اثرات مستقیم و غیرمستقیمی بر زوجین متعارض دارند. هر دو از ارضاکندگان نیاز به قدرت بین زوجین می‌باشند. این یافته توسط هی‌لی (گلدنبرگ و گلدنبرگ، ۲۰۰۲) ارائه شده‌است که در مرحله‌ی اول در امور اقتصادی و روابط اجتماعی - خانوادگی بروز می‌کند. شش مورد از موارد ده‌گانه که دارای تفاوت معناداری در دو گروه می‌باشد می‌تواند علاوه بر جهت‌دهی به پژوهش‌های دقیق‌تر مبنای طراحی برنامه‌های آموزشی خانواده و زوجین قرار گیرند.



## منابع و مراجع

- [۱] اریکسون، ملیتون (بی‌تا). درمان‌های عجیب «فنون روان‌پریشی»، ترجمه‌ی مهرداد فیروز بخت (۱۳۸۳)، تهران، خدمات فرهنگی رسا.
- [۲] اعتمادی، احمد (۱۳۸۳). روان‌درمانی، مفهوم‌سازی، اجرا و موردپژوهی، تهران، رسا.
- [۳] آشو (بی‌تا). بلوغ «مسئولیت خودبودن، خودپذیری و دگرشدن»، ترجمه‌ی مرجان فرجی (۱۳۸۰)، تهران، فردوس.
- [۴] ایس، البرت؛ هاریپر، رابرت (بی‌تا). راهنمای زندگی سالم در قرن بیست و یکم، ترجمه‌ی محمدحسین وقار (۱۳۸۰)، تهران، اطلاعات.
- [۵] بروکویتز، لئونارد (بی‌تا). روان‌شناسی اجتماعی، ترجمه‌ی دکتر محمدحسین فرجاد و عباس محمدی‌اصل (۱۳۸۳)، تهران، اساطیر.
- [۶] برنشتاین، فیلیپ اچ؛ برنشتاین، ماری تی (بی‌تا). زناشویی درمانی، ترجمه‌ی حسن پورعابدی نایینی و غلامرضا منشئی (۱۳۸۴)، تهران، رشد.
- [۷] جانسون، سوزان ام؛ ویفن، والر ای (بی‌تا). فرایندهای دلبستگی، ترجمه‌ی دکتر فاطمه بهرامی و همکاران (۱۳۸۷)، تهران، دانژه.
- [۸] ژان کالوه، لویی، (بی‌تا)، درآمدی بر زبان‌شناسی اجتماعی، ترجمه‌ی محمد جعفر پوینده (۱۳۷۹)، تهران، نقش جهان.
- [۹] ساکالوفسکی، رابرت (بی‌تا)، درآمدی بر پدیدارشناختی، ترجمه‌ی محمدرضا قربانی (۱۳۸۴)، تهران، گام نو.
- [۱۰] سارافینو، ادوارد پ (بی‌تا)، روان‌شناسی سلامت، ترجمه‌ی سیدعلی احمدی ابهری و همکاران (۱۳۸۴)، تهران، رشد.
- [۱۱] فروم، اریک (بی‌تا)، گریز از آزادی، ترجمه‌ی عزت‌الله فولادوند (۱۳۸۱)، تهران، مروارید.
- [۱۲] فیست، جس؛ فیست، گریگوری، جی (۲۰۰۲). نشریه‌های شخصیت، ترجمه‌ی سیدیحیی محمدی (۱۳۸۴)، تهران، روان.
- [۱۳] کُری، جرال (بی‌تا). نظریه و کاربردهای مشاوره و روان‌درمانی، ترجمه‌ی سیدیحیی محمدی (۱۳۸۵)، تهران، ارسباران.
- [۱۴] کوری، جرال (بی‌تا). نظریه‌ها و روش‌های مشاوره‌ی گروهی، ترجمه‌ی فائزه عسگری، مریم خدابخشی، مهرنوش داربندی و فرناز عسگری (۱۳۸۶)، تهران، شب‌نم دانش.
- [۱۵] کوکرین، ریموند (بی‌تا). مبانی اجتماعی بیماری‌های روانی، ترجمه‌ی نجاریان و فرید براتی سده (۱۳۷۶)، تهران، رشد.
- [۱۶] گلاسر، ویلیام (بی‌تا). نظریه‌ی انتخاب «روان‌شناسی آزادی شخصی»، ترجمه‌ی مهرداد فیروزبخت (۱۳۸۲)، تهران، رسا.
- [۱۷] گورکی، ماکسیم (بی‌تا). هدف ادبیات، ترجمه‌ی م. ه. شغیعیها (۱۳۵۴)، تهران، بابک.
- [۱۸] گیدنز، آنتونی (بی‌تا). تجدد و تشخص «جامعه و هویت شخی در عصر جدید»، ترجمه‌ی ناصر موفقیان (۱۳۷۸)، تهران، نشر نی.
- [۱۹] گلاسر، ویلیام (۱۹۹۸). نظریه‌ی انتخاب، روان‌شناسی نوین آزادی شخصی، ترجمه‌ی مهرداد فیروزبخت (۱۳۸۴)، تهران، رسا.
- [۲۰] گلدنبرگ، ابونه؛ گلدنبرگ، هربرت (۱۳۸۲). خانواده درمانی، تهران، روان.
- [۲۱] ولمن، بنجامین (۱۹۹۸). اختلالات روان‌تنی، ترجمه‌ی بهمن نجاریان، حسن دهقانی و بهرام دباغ (۱۳۷۵)، تهران، رشد.
- [۲۲] هندریکس، هارویل (بی‌تا). عشق در مورد نظر شما «راهنمای زوجها، حل مشکلات زناشویی به کمک ایماگودرمانی، ترجمه‌ی مهدی قراچه‌داغی (۱۳۸۳)، تهران، آسیم.
- [23] Abedinia, Nasrin: Bolhari, Jatar: ramezanzade, Fatemeh: Nagizade, Mohamadmehdi. (2011). Comparision of predisposing and effective factors on dirorce Application Between Men and Women. Jornal of family and reproductive health.
- [24] Adegoke, TG. (2010). Socio-cultural factors as Determinats of Divorce Rates among women of Reproductive in Ibdan metropolis Nigeria.
- [25] Ambert, Anne-Marie. (2009). Divorce: Facts, causes and consequences. Contemporary family trends. York university.
- [26] Doherty, William H. (2011). How common is Divorce and what are the reasons? Marriage, is a counter-culturpal act in a throw away society.
- [27] Furtado. Delia: Marcen Miriam: sevilla. Sanaz Almudena. (2010). Dose culture Affect Divorce Decisions? Evidence from European immirnants in the us. University of oxford.
- [28] Harkonen, Juho. (2013). Divorce: trends, patterns, causes, consequences. Stokholm univercity Linnaeus. Center on social policy and family DynamieinEurop. SPADE.

- [29] Meyer, Cathy. (2017). 3 Major Causes of divorce. [www.liveabout.com/](http://www.liveabout.com/)
- [30] Khurshid, Fauzia. (2012). Personal, social and psychological factors leading towards divorce. Ijrb. Webs.com.
- [31] Rarikani, Ameneh; Mohamadbrahim, Sarichlaw, Mohamadi, Navid. (2012). The cause of divorce among men and women referred to marriage and legal office in Qazvin, Iran. Global journal of health of health science.
- [32] Warren, Sheillie. (2018). 10 Most common reasons for divorce. Marriage.com